

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد و بررسی نظریات

فرمایش مرحوم آخوند را در باب اثبات اقتضاء مطلقا ملاحظه فرمودید و ادله ایشان و نقد آن هم چه از سوی خودشان و چه از دیگران ملاحظه شد.

نقد مرحوم حکیم و مرحوم بروجردی و ... به کلام مرحوم آخوند

از نقدهایی که معمولا به ایشان گرفته اند این است که شما متعلق علم اجمالی را حکم فعلی می دانید. یعنی حکمی که به مرحله بعث و زجر رسیده است. که در این صورت حکم فعلی اگر مورد علم و لو اجمالی واقع شود، جعل مرخص معنا ندارد. جعل مرخص یعنی از فعلیت انداختن حکم واقعی و فرض شما این است که آن حکم فعلی است؛ در واقع فرمایش شما خلف است. اشکال بسیار قوی است و لو ممکن است مغالطه داشته باشد.

جواب

به نظر ما مرحوم آخوند می تواند از این اشکال جواب دهد. به این بیان که مرحوم آخوند برای حکم فعلی دو معنا درست می کنند. 1. فعلی من جمیع الجهات 2. فعلی لا من جمیع الجهات. ایشان از حکم فعلی لا من جمیع الجهات تعبیر به حکمی می کند که لو تعلق القطع او الحجه به لتنجز و حکمی است که قانونگذار می تواند در موردش مرخص جعل کند؛ مثل حکمی که اگر بخواهد اجراء شود مشکلاتی پیش می آید مثل غیر محصوره که در آن حکم فعلی است، چون حکم از طرف خدا جعل شده است و توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ابلاغ شده است و مکلف هم باخبر شده است که اگر متعلقش را دقیقا بدانند این دیگر منجز است؛ لذا ایشان می گوید: برخی احکام فعلی جعل مرخص در موردش مشکلی ندارد. با این بیان شبهه مرحوم حکیم و مرحوم بروجردی و... پیش نمی آید که به مرحوم آخوند اشکال می کنند که شما خلاف فرض صحبت می کنید. خلاصه این نکته محشین بر مرحوم آخوند مخفی نیست.

البته این که حکم فعلی دو قسم باشد و در مورد یک حکم فعلی جعل مرخص درست باشد و در مورد دیگری درست نباشد را ما قبول نداریم و بعدا به این می پردازیم.

نقد دیگر از مرحوم حکیم بر اندیشه اقتضاء مطلقا - این مطلب بیان علیت تام هم می باشد:-

علم اجمالی از حیث انکشاف متعلق خودش با علم تفصیلی فرقی ندارد. اگر شما نسبت به نجاست ظرف معینی علم پیدا می کنید که در نتیجه باید از آن ظرف اجتناب کنید. حال اگر این ظرف بین تعداد زیادی از ظروف گم شود، از نظر این که نجس این جا وجود دارد و از نظر حکم شرع به وجوب اجتناب تفاوت نمی کند که علم اجمالی باشد یا تفصیلی. در کفایه در سه مرحله می فرمود: علم اجمالی کشف تام نیست و مبتنی بر این فرمود: حالا که کشف تام نیست مرتبه حکم ظاهری محفوظ است و در مرحله سوم گفت: حالا که مرتبه حکم ظاهری محفوظ است جاز الاذن من الشارع. مرحوم حکیم می خواهند مبنا را بزنند و می گوید شما می گوئید: علم اجمالی متعلقش لم ینکشف در حالی که علم اجمالی با علم تفصیلی از حیث کشف حکم واقعی فرقی ندارند. بعنوان مثال وقتی شارع فرمود: اکرم زید بن بکر، یک وقت شما زید بن بکر را می شناسید. از نظر حکم الهی که وجوب اکرام زید بن بکر باشد، وضعیت معلوم است. حال اگر این زید بین ده نفر گم شد، از نظر حکم شرعی که وجوب اکرام زید بن بکر باشد هیچ فرقی ندارد؛ یعنی حکم الهی وجوب اکرام زید بن بکر است. این حکم با این متعلق فرقی نمی کند که قطع تفصیلی باشد یا قطع اجمالی بین شبهات محصوره باشد یا قطع اجمالی بین شبهات غیر محصوره باشد؛ لذا نگوئید علم اجمالی

در کشف تکلیف ناقص است و تام نیست. از نظر کشف تکلیف و حکم بین این دو نوع قطع فرقی نیست؛ البته در متعلق خارجی و مصداق خارجی نجس یا زید بن بکر در قطع تفصیلی تردید نیست ولی در قطع اجمالی تردید وجود دارد، ولی به شهادت وجدان و علم حضوری و عقل عملی می یابیم که جائی که حکم الهی معلوم به کشف تام باشد، ولی خصوصیات فرد خارجی مردد باشد با آنجائی که خصوصیات فرد خارجی مردد نباشد، از نظر تنجیز و لزوم حرکت و لزوم متابعت فرقی ندارد، کما این که از نظر قبح مخالفت فرقی نمی کند.

در موالی و عبید عرفی هم بین این موارد فرقی نمی گذارند و معلق به نیامدن مرخص از طرف شارع نمی کنند، بلکه اصلا عقلاء اجازه به آوردن مرخص را به قانونگذار نمی دهند و اگر مرخص بیاورد او را متهم به عدم حکمت و تناقض گوئی می کنند. بله اگر جائی بنا بر مصالحی آن حکم واقعی از فعلیت بیفتد مثل شبهه غیر محصوره، در این صورت قطع اجمالی به حکم واقعی انشائی داریم که لزوم امتثال ندارد، کما این که در صورت قطع تفصیلی بخاطر اضطرار یا اکراه حکم فعلی از فعلیت می افتد، ولی تا وقتی که مکلف به حکم فعلی قطع دارد متابعت هم است و اگر بخواهد مرخص جعل کند درست نیست و تناقض است؛ لذا جعل مرخص ممکن نیست.

با این توضیح اولاً کلام مرحوم آخوند رد می شود و ثانیاً وجه اندیشه علیت هم روشن می شود. به این بیان که اندیشه علیت گوید: کشف قطع اجمالی تام است چون کشف علم به آوردن معلوم بالذات نزد عالم می باشد نه به آوردن خارج نزد عالم. جالب این که برخی علم ها از نظر خارج کشفش تام که نیست هیچ، بلکه توهم کشف است؛ مانند تمام قطع های اشتباه و جهل مرکب که از لحاظ خارج توهم و خلاف کشف است، ولی علم نسبت به معلوم بالذات کشفش تام است. و از نظر فلسفی اصلاً علم ذات الاضافه است و لذا معنا ندارد که کشفش ناقص باشد؛ بله گمان و شک کشفش ناقص است.

الحمد لله رب العالمین